

تأکید رهبر انقلاب بر مسئله آب اصفهان/ مردم اصفهان لایق کار شبانه روزی مسئولان هستند

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل استانداری اصفهان، در ایام سالگرد حماسه و ایثار مردم اصفهان و تشییع ۳۷۰ شهید عملیات محرم در شهر اصفهان، جمعی از مردم این استان، صبح امروز (شنبه ۲۸ آبان) با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.

رهبر انقلاب در این دیدار فرمودند: خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز؛ نمونه‌ای از مردم عزیز اصفهان که حقیقتاً شایسته‌ی تمجیدند، همچنان که جناب آقای طباطبائی‌نژاد بدرستی بیان کردند. من خیلی خوشحالم از اینکه بار دیگر توانستیم شما را در این حسینیه زیارت کنیم؛ بخصوص خانواده‌ی معظم

شهدا و ایثارگران که تشریف دارند. و از همین جا به همه‌ی مردم اصفهان سلام می‌رسانم و درود می‌فرستم و از زحماتشان، از ایمانشان، از جهادشان، از خصوصیات ویژه‌ی اصفهانی‌شان تشکر می‌کنم.

امروز، به مناسبت سالگرد بیست‌وپنجم آبان، (۲) این اجتماع در اینجا تشکیل شده؛ [لذا] من چند جمله در باب این قضیه‌ی بسیار مهم و کلا حرکت اصفهانی‌ها در باب جهاد و شهادت عرض می‌کنم؛ یک مطلب و یک جمله‌ای در باب نگاه کلان ما و انقلاب و کشور به جبهه‌گیری ایران و استکبار، و درباره‌ی چیستی و چگونگی این مواجهه و مقابله عرض خواهم کرد؛ بعد هم یک اشاره‌ای به قضایای اخیر جاری کشور و اغتشاشات و مانند اینها عرض می‌کنم.

امّا در مورد اصفهان، مناقب اصفهان یکی دو تا نیست؛ اصفهان شهر علم است، شهر هنر است، شهر جهاد است، شهر زنده

است. در باب علم، شاید در این چهارصد سال اخیر، تعداد علمای بزرگ اصفهان در فقه و در فلسفه و در حدیث و در تفسیر و امثال اینها — که اهمّیّتشان و ارزششان و شهرتشان مربوط به خصوص اصفهان نیست؛ بعضی همه‌ی دنیای اسلام را و بعضی همه‌ی ایران را فراگرفته — را اگر بخواهیم اسم بیاوریم، فقط اسمشان را اگر بنویسیم، یک کتاب قطور خواهد شد. بزرگانِ علمای ما حتّی تا زمان نزدیک به ما، مثل مرحوم آقای نائینی، مرحوم آسیّٰد ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمّد حسین اصفهانی، همه‌ی بزرگان علم دورانهای مختلف قبل از اینها تا حدود چهارصد سال، اصفهانی‌اند. خب شهر علم است دیگر؛ یعنی تربیت‌کننده است؛ نه فقط در فقه، در فلسفه هم همین جور است. بعضی هم اصفهانی نیستند، لکن در اصفهان رشد کردند، در اصفهان بَرُوز کردند، اصفهان اینها را رو آورد. این، خصوصیت اصفهان است.

شهر ایمان و محبت به اهل بیت است؛ این از جملهی خصوصیات است که کمتر به آن توجه شده. بنده از قدیم، از اواخر سالهای دهی ۳۰ و دهی ۴۰ و مانند اینها، به اصفهان زیاد رفت و آمد میکردم؛ نظر بنده را جلب کرد این معنا که اصفهانیها اهل توس^۱لند، اهل تضر^۲عند، اهل توجه^۳هند؛ این ناشی از ایمان است. حالا مثلاً فرض بفرمایید در مشهد ما در آن سالها یک دعای کمیلی تشکیل میشد که آن را هم اتفاقاً یک عالم اصفهانی تشکیل میداد؛ مرحوم کلباسی در مشهد بود و دعای کمیل [میخواند]. شاید آن عدّه‌ای که پای منبر ایشان برای دعای کمیل جمع میشدند، به بیست نفر میرسیدند. حالا من احتیاطاً میگویم بیست نفر؛ شاید هشت زده نفر یا ده نفر مثلاً دعای کمیل میخواندند. همان وقتها در اصفهان [مجلس] دعای کمیل مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری در مسجد سیّد، پُر میشد از جمعیت؛ این، مقایسه‌ی بین

مشهد و اصفهان. در مورد مجالس عزاداری، در مورد مجالس مربوط به ائمه (علیهم السلام) و از این قبیل، هر چه انسان بگوید واقعا کم است؛ شهر ایمان است.

پس هم شهر علم است، هم شهر ایمان است، هم شهر هنر است؛ انواع هنرهای گوناگون مطلوب ایرانی در اصفهان هست. شهر میراث‌های ارجمند و ارزشمند هنری است. بنده یاد می‌آید نظیر این میراث هنری که ما در اصفهان داریم، در هیچ جای دیگر وجود داشته باشد. اینها همه برجستگی‌های مردم اصفهان است؛ یک شهری با هویت کامل ایرانی و اسلامی. به نظر من این مستندسازهای خوب ما که الحمدلله زیاد هم هستند، میتوانند از اینها — با آن تکه‌های که بعداً عرض خواهم کرد — برای اصفهان فیلم‌های مستند متعددی بسازند که همه چشم‌نواز و دل‌نواز خواهد بود.

و امّا هویت انقلابی؛ حالا آن [هویت]

علمی و ایمانی و هنری را عرض کردیم، [میرسیم به] هویت انقلابی. البته در خیلی از شهرهای کشور ما پیش از انقلاب تلاشهای انقلابی بود، خوب هم بود، قوی هم بود، اما اصفهان برتری داشت؛ اقلای یکی از برترین شهرهای انقلابی بود؛ اگر نگوییم برترین شهر بود، لااقل یکی از برترینها بود. اولین شهری که زمان رژیم طاغوت حکومت نظامی شد اصفهان بود؛ هیچ جا قبل از اصفهان حکومت نظامی نشده بود، اصفهان حکومت نظامی شد. [این] نشاندهنده‌ی آن بود که مردم بیشتر از دیگران در تلاشند. در دفاع مقدس، دو لشکر نام‌آور و خطشکن [داشت]: لشکر امام حسین (علیه السلام) که فرمانده معروفش شهید خراسی بود و لشکر نجف که آن هم فرمانده □ معروف و شهیدش شهید احمد کاظمی بود. بعد از شهادت خراسی و مدتی بعد از اینکه شهید کاظمی از لشکر نجف رفت، فرماندهان برجسته‌ی دیگری این دو لشکر را اداره

کردند؛ دلاوران واقعاً برجسته‌ای که ما خیلی از اینها را از نزدیک شناختیم و دیدیم. خب، استان اصفهان بر اثر همین مجاهدتها در حدود ۲۴ هزار شهید دارد، که حدود ۷۵۰۰ شهید در گلستان شهدای شهر اصفهان مدفونند. اینها یک رقمهای عجیبی است، اینها یک نشانه‌های بزرگی است. ده‌ها هزار جانباز، چند هزار آزاده؛ اینها سند افتخار اصفهان است. اینها وظیفه درست میکند برای شما؛ نمیخواهیم فقط مداحی کنیم؛ نگه داشتن این عظمتها و آثار بزرگ، وظیفه‌ی یکایک افراد باوجدان است.

و ام‌ا مناسبت بیست‌وپنجم آبان؛ روز بیست‌وپنجم آبان، حدود ۳۶۰ شهید در اصفهان تشییع شدند. چطور طاقت بیاورد یک شهر؟ ۳۶۰ شهید! آن فرماندهانی که این شهدا جلوی چشم آنها شهید شدند، خودشان مانده بودند که چه جوری این شهدا را بیاورند اصفهان تشییع کنند؛ این قدر این حادثه، حادثه‌ی بزرگ و

عجیبی بود! به نظرم اگر هر جای دنیا یک روز ۳۶۰ جوانِ به‌خون‌آغشته را بیاورند در میان مردم و تشییع کنند، آن شهر آن روز فلج می‌شود، از پا می‌افتد؛ اصفهان فلج نشد. در خبرهای ما و گزارشهای مسلم ما این هست که همان روز عصر، عددی زیاده‌تری از جوانها و روزهای بعد عددی زیاده‌تری به طرف جبهه‌ها حرکت کردند؛ همان شب، کاروان عظیم پشتیبانی از شهدا از اصفهان راه افتاد. حالا [اگر] امروز ۳۶۰ شهید آوردند، مردم باید بنشینند مشغول عزاداری [بشوند]، دیگر حواسشان به جبهه نیست؛ نخیر، همان روز و روزهای بعد، جمعیت راه افتادند. این روحیه را ببینید! این انگیزه را ببینید! خانواده‌های دو شهید، خانواده‌های سه شهید، خانواده‌های چهار شهید، چند خانواده‌ی پنج شهید، چند خانواده‌ی شش شهید، یک خانواده‌ی هفت شهید! اینها مال اصفهان است؛ اینها هویت انقلابی و جهادی اصفهان را برای ما تشریح

میکنند. بخشی از مناقب اصفهان اینها است؛ اصفهان بیش از این حرف دارد. در این چهار دهه هم هر وقت لازم شده است، اصفهان سینه سپر کرده آمده جلو؛ مردم اصفهان در هیچ قضیه‌ای عقب‌نشینی نکردند. بنده بعضی از قضایا را بخصوص یادم هست؛ حالا نمیخواهم یادآوری کنم و اسم بیاورم. آن چنان زنده، با یک اشاره و با یک توجه، بارها وارد میدان شدند، یک فتنه را خاموش کردند.

البتّه این خصوصیات مردم اصفهان ربطی به گلایه‌های اصفهانی‌ها ندارد. این [مطلبی] که آقای طباطبائی فرمودند، درست است، حق با ایشان است؛ مسئله‌ی آب اصفهان مسئله‌ی مهمّی است. بنده هم دنبال این قضیه بوده‌ام؛ دوستان متعدّدی نامه نوشتند، ما هم ارجاع کردیم، دنبال‌گیری کردیم، اخیراً هم من دنبال‌گیری کردم، الحمدلله مشغولند؛ یعنی کارهای خوبی دارد انجام میگیرد؛ پنج شش اقدام که

حالا مثلاً ممکن است گفته بشود بعضی از اینها بلندمدت است؛ خوب باشد، بالاخره دارد کار انجام میگیرد، دارد پیش میرود و انشاءالله حل خواهد شد. من حالا به مسئولین محترم دولتی که واقعا هم تلاش میکنند، کار میکنند، سفارش میکنم که در این زمینه هر چه ممکن است بیشتر تلاش کنند، هر چه ممکن است سریعتر کار کنند؛ یعنی واقعا مردم اصفهان شایستهی این هستند که ما شب و روز شناسیم برای خدمت به اینها.

خب، حالا این دربارهی اصفهانها بود. شهرهای دیگر کشور هم هر کدام به نحوی ارزشهایی آفریدهاند؛ نمیخواهیم فقط روی اصفهان تکیه کنیم. البته همه یک جور نبودند، در یک سطح نبودند؛ بعضی جلوتر بودند، اصفهان جزو جلوترینها است. جاهای دیگر هم تلاشهای خوبی انجام گرفته. این تلاشهای همهجانبه مردم در سراسر کشور موجب

شد که ما در یکی از آزمایش‌های کم‌نظیر [پیروز شویم]. دفاع هشت‌ساله یک آزمایش کوچکی نبود، حادثه‌ی خیلی مهمی بود؛ خیلی از جوانهای ما نمی‌دانند چه اتفاقی افتاد. هشت سال همه‌ی قدرتهای دنیا یک طرف، ایران یک طرف! خب حالا مثلاً در بعضی از جاها یک حادثه‌ی هست و به یک کشوری حملاتی میشود که او^۳لاً به آن وسعت نیست که در ایران بود، ثانیاً بالاخره کسانی هستند که به آنها کمک میکنند؛ ما را هیچ کس کمک نمیکرد. ناتو همراه صد^۳ام بود، آمریکا بخصوص همراه صد^۳ام بود، شوروی سابق همراه صد^۳ام بود، بعضی از کشورهای اروپا که خیلی وابستگی به شوروی نداشتند، وابستگی به آمریکا هم نداشتند، همراه صد^۳ام [بودند]، مثل یوگسلاوی؛ من رفتم از نزدیک دیدم دیگر؛ [\(۳\)](#) اینها هم طرف او بودند؛ یعنی همه‌ی دنیا یک طرف بود و جمهوری اسلامی یک طرف. خب در این جنگ، با همین حرکت مردم، با همین انگیزه‌های

مردم، آن هم با دست خالی، ایران توانست پیروز بشود. ما در جنگ هشتساله یک پیروزی کامل و درخشان پیدا کردیم. پیروزی پیدا کردیم، لکن قضیه تمام نشد. من حالا اینجا می‌خواهم وارد این بحث دوّم بشوم: مسئله‌ی نگاه کلان به چالش ایران اسلامی و مستکبرین، دستگاه استکبار، دنیای استکبار.

این را من خواهش می‌کنم توجه کنید: از نظر جبهه‌ی استکبار، مشکل اینجا است؛ مشکل استکبار با جمهوری اسلامی این است که اگر جمهوری اسلامی، این نظام، پیشرفت بکند، رونق بگیرد، جلوه کند در دنیا، منطق لیبرالدموکراسی دنیای غرب باطل خواهد شد. من اتفاقاً این بحث را در اصفهان یک بار کردم؛ در بین جمعیت عظیم در میدان بزرگ اصفهان، راجع به این [بحث] یک اشاره‌ای کردم. [\(۴\)](#) با منطق لیبرالدموکراسی، غربی‌ها توانستند

حدود سه قرن همه‌ی دنیا را غارت کنند؛
یک جا گفتند اینجا آزادی نیست، وارد
شدند؛ یک جا گفتند دموکراسی نیست،
وارد شدند؛ به بهانه‌ی ایجاد دموکراسی
و به بهانه‌هایی مانند این، اموال آن
کشور را، خزائن آن کشور را، منابع آن
کشور را غارت کردند بردند؛ اروپای
فقیر ثروتمند شد، به قیمت به گِل
نشستن بسیاری از کشورهای ثروتمند مثل
هند. هند را اینها بیچاره کردند؛ شما
این کتاب نهرو — نگاهی به تاریخ
جهان — را اگر بخوانید درست توجه
میکنید که چه اتّفاقی افتاده؛ و خیلی
کشورهای دیگر؛ چین را، جاهای دیگر را
[بیچاره کردند]. حالا ایران، استعمار
مستقیم به آن صورت نشد، امّا اینجا
هم هر چه توانستند کردند، با منطق
لیبرال دموکراسی؛ یعنی گفتند آزادی و
دموکراسی، آزادی و مردمی؛ با این
عنوان، کشورها را تسخیر کردند؛ هم
علیه آزادی، هم علیه مردمی بودن
کشورها، هر چه توانستند کردند.